

یتام خدا

هموطن
خواهر

برادر

تو که ندای انقلاب را بیک گفتی
و پذیرفتی تمام زندگی ملت را در مجلس خبرگان
با این پذیرش،
پرچم رسالتی بس بزرگ و خطیری را بدوش کشیدی
گامت استوار

اندیشه ات پر بار

اراده ات پایدار باد.

میدانی! دنیا به ره آورد رهنه مینگردد.

«حج» مقدمت را گراهی میدارد،

و برای تحقق جامعه توحیدی «نظام شورائی» را.

به مشورت با تومی گمارد.

به امید موفقیت.

جیش انقلابی مردم مسلمان ایران «حج»

۱۱۰۰۸۰۰
۲۱

در باره شوراها :

بر اساس آیات " و امر هم شورى بينهم " آیه ۳۶ شوری و آیه " و شاورهم فی الامر " و با توجه به کوششهای تاریخی در جهت بوجود آوردن هسته‌های حاکمیت مردمی ملحم از این اصول و باتکیه و اعتماد به خلاقیت انقلابی مردم ایران ، " جاما " توانسته است " طرح نظام شورائی " را پیشنهاد کند . اصل ۳ - آراء عمومی مبنای حکومت است و بر طبق دستور قرآن که : (و شاورهم فی الامر) و " امر هم شورای بينهم " امور کشور باید از طریق شوراهاى منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و به ترتیبی که در این قانون و قوانین ناشی از آن مشخص میشود حل و فصل گردد .

البته تصدیق و تأیید مبنای ديمقراطیک حکومت احتیاج به ارجاع به آیات قرآن نداشت مگر اینکه نوع ديمقراسی مورد نظر باشد که در این صورت ماده ۳ قانون میباید بدینسان اصلاح گردد و بعد از آیات اضافه شود " امور کشور باید (مطابق نظام شورائی) از طریق ۰۰۰ " یعنی بطور مشخص معلوم شود که نظام حکومتی نیز نظامی بدیع و اسلامی است و تنها به پذیرفتن اصل آراء عمومی بمبنای حکومت همچون ديمقراسی های بورژوازی غرب اکتفا نکرده بلکه یک نظام حکومتی نو را عنوان می کند .

۱- شوراهاى پایه : شوراهاى پایه گروههاى طبیعى هستند که اکنون خارج از اراده ما وجود دارند تلاش ما بیشتر برای بدست آوردن یک روش که با آن به شناخت و سپس نهاد سازی این واقعیت در جامعه بپردازیم ما از دو ملاک یا ضابطه برای جدا سازی انواع اصلی شوراها استفاده میکنیم و آن دو عبارتند از محل اقامت و محل کار به این ترتیب " شورای ده " و " شورای محله در شهر " بر حسب محل سکونت و شوراهاى تولیدی " بنه در ده " و یا " قسمت در کارخانه " بر حسب محل کار تشکیل می یابد .

۲- شوراهاى هماهنگی : این شوراها مثل شوراهاى پایه گروه طبیعى نیستند بلکه نمایندگان این نوع گروه ها هستند که در سطح بخش ، شهر ، شهرستان ، استان ، در شوراهاى سکنائی و کارخانه مزرعه در شوراهاى تولیدی هماهنگ کنند هستند . این شوراها حاکمیت محلی را در منطقه با توجه

به مقتضیات بومی و جلب همکاری مردم اعمال میکند . به گونه ای که میتوان گفت خود مختاری تجربه دولت است نظام شورائی پخش قدرت است . ارتقاء و انتخاب اصلاح رزی کارنامه عمل در شوراها مکانیسم دفاعی و پادزهری در مقابل تکنیک انتخاب غربی (آمیخته با عوامفریبی) دورهای است .

اصل ۷۴- "برای تامین هر چه سریعتر رفاه عمومی و پیشبرد اصلاحات بهداشتی ، آموزشی ،

فرهنگی و اقتصادی ، با توجه به مقتضیات بومی و جلب همکاری مردم در این مقاصد ، اداره امور روستاها ، بخش شهر ، شهرستان یا استان با نظارت شورائی بنام شورای ده ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان که اعضای آنرا مردم همان محل انتخاب میکنند ، صورت میگیرد . حدود اختیارات ، و عمل و نحوه نظارت شورا های مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و تابعیت حکومت مرکزی باشد ، قانون تعیین می کند ."

در این اصل با توجه به حاکمیت محلی و منطقهای در رابطه با مقتضیات بومی شده است ما با توجه به اصل اسلامی شوراها اصل ۳ که مقدمتا گفته است : "آراء عمومی مبنای حکومت است" و بعد ارجاء داده است به آیات و این اصل و اعتقاد به اصل ضرورت خلاقیت روشنفکران هر جامعه نهاد ها نوین جمهوری اسلامی را از دل فرهنگ اسلامی خود بیرون کشیده و پیشنهاد میکنیم و آن "نظام شورائی" است بعنوان محتوی جمهوری اسلامی نظامی که در سه سطح از حقوق و آزادیهای فردی و در - شورا های پایه و از حاکمیت محلی و منطقهای و مقتضیات بومی در شورا های هماهنگی بخش و شهر - شهرستان و استان و بالاخره از حاکمیت ملی در سطح شورا های پنجگانه که در ضمن به تفکیک قوای ملی در راس کمک میکند ، سخن میگوید .

۳- شورا های راس - که حاکمیت ملی را در زمینه های معین اعمال میکنند عبارتند از شورا های پنجگانه یا قوا و ارگان پنجگانه که مستقیما از جانب مردم با رای مخفی و مستقیم انتخاب شده و در برابر مردم نیز مسئول هستند . عبارتند از شورای ملی (قوه مقننه) - شورای قضائی (قوه قضائیه) - شورای اجرائی (قوه مجریه) - شورای فرهنگی (مطبوعات و رسانه های گروهی) - شورای قسط - باید توجه داشت نظام شورائی بدون شورای قسط که حدود مرز مالکیت و مالکیت بر وسائل اصلی تولید را بر حسب شئون زمان تعیین میکند عملی نخواهد بود .

و بالاخره علاوه بر سه نوع فوق نوعی دیگر هم از شورا داریم که محدود تر هستند و چون اساس کارشان بر ارائه خدمات بود و بطور تخصصی تشکیل میشوند و اغلب نوع و کیفیت خدمات از جانب

مردم تعیین می‌گردد در نتیجه برد شور این شوراها محدود میگردد به روابط انسانی در محل کار و منافع صنفی شورکنندگان نه تصمیم‌گیری در خصوص کیفیت و کمیت خدمات که تعیین آن در صلاحیت شوراها ملی یا محلی و یا مصرف‌کنندگان سرویس و یا سفارش‌دهندگان آن است. و صدمه‌ای که در حال حاضر به اشاعه اندیشه نظام شورائی وارد میشود از جانب همین نوع آخر است که اولاً یک گروه طبیعی نیستند. ثانیاً به طریق سندیکائی عمل میکنند. ثالثاً در اندیشه منافع ملی را به فراموشی سپرده‌اند. ما خواهیم کوشید که این شوراها به رسالت خود بازگردند. و مثلاً شورای اداری رادیو تلویزیون فکر نکند که اوست که میبایست محتوی برنامه‌ها را تعیین کند و یا شورای وزارت دارائی فکر نکند که اوست که میبایست نرخ مالیات سالانه را تعیین کند در حالیکه میتواند رهنمودهای ملی را که از شوراها راس میرسد در سطح ملی عملی سازد و بازتابهای شوراها محلی و منطقهای و خواستهای آنها را از دولت به شوراها راس انتقال دهند.

— د مکرسی پارلمانی (غربی) میگوید حکومت برای مردم در حالیکه نظام شورائی میگوید: حکومت توسط مردم.

— د مکرسی غربی به حق حاکمیت مردم معتقد است ولی معتقد است به لحاظ غیر عملی بودن اعمال جمعی آن باید آنها را به وکیل انتقال داد نظام شورائی معتقد است باید حتی المقدور نهادهایی برای اعمال مستقیم حق حاکمیت غیر ممکن باشد.

— رفتار د مکرسی در شوراها مورد عمل قرار میگیرد چون ارتقاء و انتخاب فقط از راه بکار انداختن

تکنیک اخذ آرا نبوده بلکه متکی بر شناخت عمیق و عملی است. اعمال حاکمیت از شورای بخش تا شورای استان به جهات عملی غیر مستقیم و دو درجه‌ای میگردد؛ یعنی اعضای شورای ده از جانب مردم بلاواسطه و مستقیماً انتخاب میشوند و حال آنکه اعضای شورای بخش دو درجه‌ای هستند یعنی از طرف اعضای شوراها ده انتخاب میگردند و این عمل تا شورای استان ادامه می‌یابد.

— در شوراها پایه وحدت تصمیم‌گیری و عمل وجود دارد در نتیجه خودکار و خودکفا بوده و باری بر دوش جامعه نیستند. و چون وارث مشکلات بیشماری از رژیم سابق هستیم تنها در صورتی موفق خواهیم شد که همه مردم در رفع آن مشکلات شریک باشند. از اینجا است ضرورت سپردن کار مردم به مردم، دولت فقط راهنمائی و کمکهای تخصصی خواهد داد.

— نظام شورائی مبدل به سلسله مراتب هرمی و تمرکز قدرت نمیگردد. چون حاکمیت در شوراهای پایهای مستقیماً اعمال میگردد و سلسله مراتبی هم که در شورای هماهنگی بخش تا استان بوجود آمده، انتخاب و ارتقاء با تقوی ترین عناصر را در سطح استان سبب می شود در نتیجه شورای هماهنگی استان در ارتباط با استاندار انتخابی جای بیوند حاکمیت مردمی یا محلی با حاکمیت ملی (متبلور در شوراهای پنجگانه) خواهد بود و بدین طریق مسئله دولت اشرافی و دیوانسالار حل خواهد شد. دولتی محدود به هفت وظیفه اصلی بوجود خواهد آمد که پنج وظیفه آن مربوط به داخل و اداره امور شوراها میگردد این پنج وظیفه نیز اصول اسلامی را از قبیل: "لیس لانسان الاماسعی" در رابطه با سازمان شورای تولید کشاورزی و "من اصلاح ولم یهتّم بامور المسلمین و لیس به مسلم" در رابطه با سازمان عمومی خدمات نهاد سازی میکنند و بالاخره وظیفه وزارت کشور و برنامه ریزی که از یکسو رهنمودهای ملی که توسط شوراهای پنجگانه ملی تصمیم گرفته شده با هم سازگاری و ارتباط میدهد. و عاقبت دو وظیفه برون مرزی که در رابطه با دفاع ملی و روابط خارجی دو سازمان بوجود میآوردند که یکی حفظ و حراست و تمامیت ارضی و دیگری منافع ملی را بحمده دارد. برای اطلاعات بیشتر به جزوه — نظام شورائی جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) دفتر اول مراجعه شود.

نیاز و ضرورت و امتیاز نظام شورائی

رهبرگرایی یکی از خطرناکترین گرایشهای عام جامعه است، اعمال د مکرسی غربی و انتخاب ریاست جمهوری و نمایندگان از طریق مراجعه به آراء مخفی و عمومی در جهت تقویت این گرایش قرار میگردد. تاریخ چند هزار ساله ایران نشان میدهد رهبری مصلحین از جمله امام و مصدق و امیرکبیر... استثناهایی هستند بر قاعده کلی که رهبری زورمدار و ناصالح بوده است. سیستم شورائی با توزیع قدرت در شوراهای پایمو تقلیل بار و قدرت سازمانهای دولتی یاد زهری است برای این تمرکز جوئی و رهبرگرایی. نظام شورائی چون کارها را بطور جمعی تصمیم گرفته و اجرا میکند امکان شناخت متقابل افراد را میسر میسازد و از ارتقاء افراد فرصت طلب جلوگیری میکند و اصولاً مکانیسمی برای جلوگیری از فرصت طلبی بشمار میرود.

انقلاب ایران نارای دو صفت است ملی و اسلامی؛ ملی است چون با خون ایرانی و عرق جبین ایرانی به نتیجه رسید، اسلامی است چون با توجه به ارزشهای اسلامی نمیخواهد فقط به خود خواهی های ملی یک ملت جواب دهد و از جریان بازیستند و مثل آب راکد بهگندد و اید مآل جهانی دارد.

میخواهد به تمام ممالک اسلامی و دنیای مستضعفین سرایت کند . دشمن هم به این امر توجه دارد نتیجه کوششهای تبلیغاتی امپریالیسم علیه صفت اسلامی انقلاب (چون از این راه است که اشاعه خواهد یافت) از طرفی چون دنیای مستضعف میخواهد از این انقلاب الگو بگیرد ما باید در تدوین حقوق اساسی و یا قانون اساسی آن توجه به این مطلب هم داشته باشیم و فکر نکنیم که انقلاب اسلامی است و قانون اساسی ایرانی . پیش نویس در تدوین خود به ترتیب اهمیت از منابع زیر الهام گرفته : اول قوانین فرهنگی و قانون اساسی سابق . دوم اصول و موازین اسلامی . سوم نوآوریهای محدود . ما فکر میکنیم که این نظم باید معکوس گردد تا بتواند به خواستههای بالا جوابگو باشد .

توجه به استقلال فرهنگی اعتماد به قدرت خلاقه مردم ایران، ما را تا اندازه‌ای از غرب زدگی رهایی خواهد بخشید . به جای جمع‌آوری قوانین اساسی ممالک دیگر و کپی و یا ترجمه دقیق بعضی از موادش (مثل قانون اساسی سابق که سند مردمان باقی ماند) باید به خود برگردیم به هدفهای انقلاب توجه کنیم به خواستههای توده‌های مردم که در شعارهای خود جوش تبلور مییافت توجه کنیم به اصول اعتقادی مردم نظر داشته باشیم و اینها را در قانون اساسی تدوین کنیم یا برای قابلیت‌اجرائی آنها نهاد سازی کنیم نظام شورائی يك چنین فکری است خالی از تعصب و به همین علت نهاد های فرهنگی غرب را که جامعه ما پذیرا بوده است دور نمی ریزد .

شوراهای پایه ای را از پائین سازمان میدهم و هم شورائی را بوجود میآوریم با وحدت قوه تصمیم گیری - اجرا در شوراهای پایه و تقسیم و جدائی قوا در شوراهای راس و سپس با ترکیب کردن این دو ساخت به کمک شوراهای هماهنگی که نظام شورائی را نتیجه میدهد .

هدف از این مقدمه فراهم آوردن زمینه برای تعقیب مطالب این جزوه توسط خوانندگانی است که دفتر اول را مطالعه نکردند . معدنک دریافت این جزوه بطور عمیق مشروط بر مطالعه جزوه اول است . در جزوه اول به تشریح و تعریف شوراهای پایه و هماهنگی پرداختیم در این جزوه بعد از تعریف بترتیب شوراهای راس بطور مشروح تر به شوراهای قسط ، رسانه‌های گروهی و شورای قضائی و ملی خواهیم پرداخت و وظیفه از وظایف هفتگانه شورای اجرائی که در دفتر اول فرصت شرح و بیان آن

نشد وظیفه دفاع ملی وظیفه و روابط خارجی (سیاسی - تجاری) .

بعد از تشریح شوراهاى در سطوح مختلف نظام شورائى را که از فرهنگ اسلامى ایران نشأت گرفته برای مملکت داری و به منظور محتوی جمهوری اسلامى پیشنهاد میکنیم و به نقد پیش نویس - قانون اساسى پرداخته نشان میدهم که همین پیش نویس با حک و اصلاح بنیادى میتواند در قالب نوریخته شود و مفید واقع شود !



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف قوه مقننه:

حاکمیت ملی در زمینه قانونگذاری از طریق انتخاب نمایندگان حقیقی مردم که بطور مستقیم و با رای مخفی انتخاب میشوند اعمال میشود. حق نمایندگی حق است غیر قابل انتقال و تفویض به دیگری.

نمایندگان منتخب مردم در هر کجا و کیل تمام مردم کشور نیز هستند و یک نماینده حق ندارد فقط به نمایندگی از طرف افرادی که او را انتخاب کرده اند انجام وظیفه نماید. هیچ مرجع و یا مقامی حق ندارد مجلس شورای ملی را تعطیل یا منحل کند.

حق هرگونه قانونگذاری سوای تدوین و ترمیم یا اصلاح اصول قانون اساسی که از وظایف مختصه مجلس مؤسسان است فقط و فقط در اختیار مجلس شورای ملی است. مصوبات مجلس شورای ملی برای مردم و سازمانهای کشوری و لشکری متبع لازم الاجرا است.

مجلس شورای ملی حق ندارد قوانینی وضع کند که با حقوق و آزادیهای فطری مردم و اصول حق حاکمیت ملی و مبانی دموکراسی و مفاد قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

تفسیر قوانین عادی و تشخیص توافق و توازن آنها با یکدیگر و با اصول قانون اساسی و سایر مبانی حقوقی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به عهده کمیسیون است مرکب از تعداد مشخصی از نمایندگان ذیصلاحیت مجلس و قضات عالیرتبه منتخب شورای قضائی ریاست این کمیسیون با رئیس شورای قضائی کشور است.

در نظام شورائی: شورای ملی در راس هرم و شوراهای سکنائی و تولیدی در پایه هرم قرار میگیرند. شورای ملی مرکز ثقل حاکمیت ملی است و سلسله شوراهای سکنائی مرکز ثقل حاکمیت محلی است و حقوق فردی و آزادیهای اولیه از طریق رسانه هائی که مبنای شکوفائی طبیعی و اجتماعی این حقوق و آزادیهاست بطور مستمر تأمین میگردد.

(1) - پذیرفتن اصل حاکمیت خدا در اسلام تنها تاثیری که بر حاکمیت مردم میگذارد نسبی ساختن قدرت است چون وقتی ما قبول کردیم که قدرت مطلق متعلق به خدا است و آنچه انسان دارد بودیعت دارد که باید بسان و کیلی امین آنها اعمال کند در نتیجه وقتی قدرت با واسطه در اختیار انسان قرار میگیرد گرایش اولیه او این خواهد بود که بوکالت اعمال کند و اصولی ترین طریق اعمال حاکمیت همان نظام شورائی است و برخلاف حاکمیت مردم در دموکراسی پارلمانی که حق حاکمیت را از آن مردم می شمارد و مردم از طریق انتخاب وکیل به نهاد های بالاتری انتقال میدهند در اسلام انسان دست دوم است بقیه پاورقی در صفحه بعد

اصل ۱۷- (اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورایی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل میشود و مصوبات آن از توشیح رئیس جمهور برای اجرا به قوه مجریه ابلاغ میگردد. در امور مهم که به سرنوشت کشور و مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی مربوط باشد ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد.)

با توجه به روانشناسی اجتماعی ایران بهتر است تصویب قانون از راه همه پرسی مدتی به تعویق افتد تا مردم با زتاب رأی خود را بر زندگی روزمره خود احساس کنند، تا رفتارهای تقلیدی در زمینه های سیاسی متروک گردد. در غیر این صورت اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی باعث تدوین قوانین بدون انسجام خواهد شد. و به همه پرسی گذاشتن مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی که از پیچیدگی خاصی برخوردارند سبب سردرگمی مردم خواهد شد و رأی ناآگاهانه و انتخاب بدون شناخت را باعث میگردند.

اصل ۵۰- ((عده نمایندگان مجلس شورایی ۲۷۰ نفر است و پس از هر ده سال (۱۰۰۰)) اصولاً فلسفه وجودی دیموکراسی پارلمانی این است که دیموکراسی مستقماً عملاً غیر ممکن است در تعیین تعداد نمایندگان مجلس شورایی توجه به این امر ضروری است و به ما حق میدهد که محدودیت رقمی (۲۷۰) نمایندگان را غیر منطقی بشماریم. ممکن است چنین محدودیتی ناشی از محاسبات سیاسی لحظهای باشد، منتهی میتوان پیشنویس قانون اساسی را قانع کرد که چون این قانون برای مدتی طولانی تهیه میشود ممکن است اکثریت امروز اقلیت فردا شوند در نتیجه نباید راه ورود آینده خود را به مجلس به بندند علاوه بر آن برای یک ملت ۳۵ میلیونی میتوان مجلس ۳۵۰ نفری را با کیفیت بالا ممکن دانست و اثر آن را نیز در تعادل قوای پنجگانه به ویژه در رابطه با قوه مجریه وارد محاسبه کرد.

اصل ۵۶- سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل تعویض دیگری نیست. روش دیگری هم وجود دارد آن اینکه هر کاندیدای نمایندگی جانشین احتمالی خود را نیز معرفی کند تا بتوان از نمایندگان مجلس برای پستهای اجرائی استفاده کرد خوب این امر این است که اعضای هیئت دولت نخواهند

بقیه پاورقی از صفحه قبل
یعنی خودش بعنوان وکیل و جانشین قدرت را به امانت در دست دارد در نتیجه جلد در انتقال آن ندارد
نظام شورایی برای او بهترین نظام است.

توانست بدون زمینه مردمی و تأیید دمکراتیک و فقط به خاطر روابط در رأس مقامات اجرایی مهم قرار گیرند و حتماً باید از جانب مردم انتخاب شده باشند و بدینسان از جدائی افتادن بین کسی که فکر میکند (دانشمند) و کسی که تصمیم میگیرد (سیاستمدار) و کسیکه عمل میکند (تکسین) جلوگیری میشود.

دمکراسی پارلمانی که این پیش‌نویس تجویز میکند این جدائی را بوجود خواهد آورد.

وزیر کسی است که از یک حوزه پارلمانی انتخاب شده نه اینکه هیچگونه سابقه سیاسی نداشته باشد.

در نتیجه تفاهمی نیز بین نمایندگان و وزیر که نمایندگانش سابق مجلس است و در صورت استعفا به کرسی نمایندگی خود برمیگردد برقرار است.

اصل ۶۰ - "دادن اختیار تشکیل شرکتها و موسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجارسی و صنعتی و کشاورزی و معادن از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورایی ممنوع است".

اصولاً این نوع امتیازات برخلاف اصل استقلال اقتصادی و سیاسی و "اقتصاد اسلامی" است در نتیجه نقض غرض به شمار میرود بدون تصویب و یا با تصویب مجلس ممنوع است حال چه گیرنده امتیاز انحصار خارجی باشد چه داخلی.

اصل ۶۶ - (مجلس شورایی نمیتواند قوانینی وضع کند که با اصول مسلم اسلامی و قانون اساسی - مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر طبق اصل ۱۴۴ به عهده شورای نگهبان قانون اساسی است.)

این اصل حاکمیت ملی را در قانونگذاری محدود میسازد یعنی ملت نه راساً از طریق همه پرسی و نه از طریق نمایندگان خود نمیتوانند قوانینی را بگذرانند که با اصول "مسلم اسلام" مغایرت داشته باشد.

آیا قانون در خصوص ضد حاملگی با اصول مسلم اسلام ضدیت دارد و در برابر ازدیاد جمعیت و نتایج اقتصادی سیاسی و اجتماعی آن بلامانع است یا اینکه به مصداق "وکل بوما فی شان" در این جهت مطابقت صورت میگیرد. آیا نهادی برای تجدید نظر در قانون اساسی پیش‌بینی شده است و راه تطور و تحول باز است یا موقوف به انقلاب شده!

اصل ۶۲ - استخدام کارشناس خارجی. اصل ۶۳ - کمکهای بدون عوض "نیز اصولاً نقض غرض است

در صورت خرید تکنیک خارجی یاد دهی آن جزء قیمت فروش است دیگر احتیاج به استخدام نیست این فرم امکان سوء استفاده فراهم می آورد.

اصل ۶۸- برقراری حکومت نظامی ممنوع است مگر هنگام جنگ به حکم قانون.

” هنگام جنگ ” مشخص و روشن نیست و دولت میتواند به بهانه جنگ حکومت نظامی اعلام کند اصولاً در موقع جنگ نظامیها باید در جبهه جنگ باشند و تمام کوشش خود را در آن جهت مصروف دارند. وقت کار دیگری ندارند مگر اینکه مقصود از جنگ، جنگ داخلی باشد. در آن صورت نیز نقش ارتش حفظ مرزها و جلوگیری از نفوذ اعمال خارجی است و نزاع داخلی نیز باید از راه مذاکره حل شود به هر صورت ارتش جمهوری اسلامی نقش انتظامی و ژاندارمی نخواهد داشت.

II ” شورای قضائی ” قوه قضائیه و بررسی اصول مربوط به آن

قوه قضائیه یکی از ارکان مهم نظام سیاسی یا حکومت است، حاکمیت ملی در زمینه امور حقوقی بوسیله قوه قضائیه و از طریق دادگاههای دادگستری اعمال میگردد.

شورای قضایی

به منظور جلوگیری از نفوذ قوه مجریه در قوه قضائیه شورای مرکب از ۹ تا ۱۱ نفر از بین رجال قضائی جامعه توسط مردم در سطح ملی با رأی مخفی و مستقیم انتخاب خواهند شد و هر چهار سال نیمی از ایشان تجدید خواهند شد دادستان کل از بین این شورا انتخاب میشود. بطور استثناء و به علت عدم آشنایی مردم به شخصیتهای قضایی، اولین شورای قضایی از میان قضات از جانب شورای ملی انتخاب خواهد شد. ولی معمولاً کلیه قضات از طریق شوراهای سکنائی بخش و شهر از طریق انتخابات دودرجهای انتخاب شده این عمل تا سطح استانی و منطقه ای - برای انتخاب مسئولین قضایی مرعی خواهد شد. و فقط شورای قضایی که بالاترین مرجع قضایی - کشور و ضامن وحدت رویه قضایی بوده و مستقیماً از طرف مردم انتخاب میشود خود بطور مستقل نیز در برابر مردم مسئول است.

وظایف این شورا

- ۱- معرفی قضات قابل انتخاب از طریق شوراهای سکنائی
- ۲- سازماندهی محاکم و دوائر دادگستری در سراسر کشور و نظارت و هدایت آنها

۳- تهیه و تنظیم لوایح قانونی مربوط به امور قضایی - تهیه لایحه بودجه دادگستری و طرح

آن در شورای ملی

۴- رئیس شورای قضایی ضامن استقلال قوه قضائیه است و همردیف سایر رؤسای شوراهای پنج

گانه است.

مراحل رسیدگی

رسیدگی ماهوی اعم از حقوقی و جزائی در دو مرحله نخستین و پژوهشی به عمل می آید

و احکام پژوهشی قطعی و غیر قابل فرجام و لازم الاجرا است.

تشکیلات قضایی کشور به شکل غیر متمرکز و استانی عمل خواهد کرد. در مرکز هراستان

دادگاهی متشکل از شورائی (حداقل ۳ تا ۵ عضو) انتخاب شده و به تناسب احتیاج و ضرورت

خود شعبی خواهد داشت که اختصاصا به امور حقوقی و جزائی رسیدگی نمایند. این شورا در رابطه

مستقیم با خوشه شورای سکنائی به همین روال یعنی انتخاب قاضی از میان کادر با سابقه و مجرب

دادگستری از طرف شوراهای و همکاری نزدیک با آنها عمل خواهد کرد.

البته کلیه قضات از بین صاحبان این شغل و در رابطه با ضوابطی از جانب شوراهای-

سکنائی (شورای ده و محله) انتخاب و ارتقاء داده خواهند شد. بدین نحوه اعضای " شورای-

عالی قضایی " انتخاب خود را مدیون قوه مجریه نیستند و مثل سایر ارگان قوای پنجگانه و هم

سطح با آنها مشروعیت خود را از مردم میگیرند و در برابر مردم نیز مسئول هستند و هر چهار قوه

دیگر و کلیه جریانات مملکتی نظارت دارند و تهدیب آنها را تضمین میکنند. گرایشی وجود دارد که

انتخاب تکراری اعضای شورای قضائی اشکال نماید. در آنچه مربوط به تشکیلات اعمال حاکمیت

قضائی در مناطق میگردد در فوق نشان دادیم که بصورت غیر متمرکز شکل گرفته و در رابطه با خوشه

سکنائی شوراهای عمل میکند. اینجا باید روشن ساخت که نظر به اینکه دادگاههای قضائی از روی

قوانین خشک مکانیکی که اغلب هم از نظام قضائی غرب اخذ شده و در فرهنگ ما جذب نشده

است. (که همیشه یک حاکم و یک محکوم را حاصل میدهد) - قضاوت میکند در حالیکه ممکن

است تقصیر و خطا به نسبت های ۵۵/۴۵ تقسیم شده باشد. مرجع است قبل از ارجاع هر نوع

دعوائی به محاکم دادگستری از طریق شوراهای هماهنگی بخش، شهر، شورای ده یا محله

شهر یا نهادهای قضائی مربوط به آنها مورد بررسی و داوری قرار میگیرد اگر مسئله از طریق کد خدا منشی حل نشد (و یا مسئله جنائی بود) دادگاههای محلی نامه‌ای به دست‌مقاضی خواهد داد تا مجاز باشد دعوی خود را در مراجع بالاتر مطرح سازد از جمله علل این روش این است که بخشی از دعوای روستاها ، در سالهای کم آبی ، بر سر آب است و این دعوای احتیاج به حل و فصل سریع دارد که در غیر این صورت گرفتار چرخهای بوروکراسی شده خسارت د و جانبه بوجود می‌آورد و داور موقعی میرسد که موضوع دعوی منتفی است.

تهیه و تنظیم لوایح قانونی مربوط به امور قضایی ، تهیه لایحه بودجه دادگستری از وظایف شورای قضائی است که برای طرح و تصویب^{به} شورای ملی سپرده میشود در جلسه شورای ملی که برای بررسی آنها تشکیل میگردد اعضای شورای قضائی با حق رأی شرکت خواهند کرد .

— کیه افراد ملت در برابر دادگاههای جمهوری اسلامی از حقوق مساوی برخوردار هستند . این محاکم یکسان و همگانی است در نتیجه محاکم اختصاصی اعم از نظامی ، اداری ، وجود نخواهد داشت . وقتی يك مامور دولت تخلف مینند باید در دادگستری مطرح شود . " شورای اداری " همانطور که رژیم سابق نشان داد یعنی لوٹ کردن جرم یعنی مخفی کردن اعمال ناروای يك ارکان اجرائی در نتیجه اصل ۱۴۰ پیش‌نویس قانون اساسی نیز که به منظور رسیدگی به شکایات مردم از مامورین اداری (دیوان عدالت اداری) تشکیل میدهد قدمی در جهت محدود ساختن اعمال حاکمیت قضایی از طریق قوه قضائیه برداشته و نمیتواند مورد قبول قرار بگیرد .

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

— لوایح قانونی مربوط به امور قضایی میبایست با الهام از نمونه های تاریخ عدل و داوریهای اسلامی طوری تنظیم شود که عدالت اسلامی از عدالت طبقاتی متمایز گردد . چون در جامعه ای که اختلاف طبقاتی به درجه جامعه کنونی ما است تساوی در برابر قانون به معنای تشدید اختلاف طبقاتی است وجه ضمان مساوی برای يك جرم واحد ، معنای فرستادن فقییر به زندان و عنی به خانه اش را میدهد .

— قاضی علاوه بر تحصیلات تخصصی و کارآموزی چندین ساله که میبایست در طی آن صداقت امانت خود را نیز در محل خدمت نشان داده باشد و کارنامه موجهی داشته باشد ، باید با

رای مستقیم و مخفی از جانب شوراهای سکنائی انتخاب شده باشد تا مشکلات رژیم قبلی از جمله دست‌نشاندهی قاضی از جانب قوه مجریه از خلال قوانین مربوط به استخدام قضات و یا از طریق حضور دادگاههای انتظامی و دادسرای انتظامی اعمال میگردید، از میان برود.

اصل ۱۸ پیش‌نویس قانون اساسی - "اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که بر طبق موازین اسلامی تشکیل میشود و به رسیدگی به دعاوی و حل و فصل آنها و حفظ حقوق عمومی و اجرای عدالت اسلامی بپردازد."

"موازین اسلامی" باید بطور دقیق معین شود تا امکان تخییر و تفسیر از میان برداشته شود.



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

iii "شورای اجرائی" (قوه مجریه) و بررسی اصول مربوط به آن

طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شورای اجرائی " قوه مجریه "

— حاکمیت ملی در زمینه های اجرائی و اداری و دفاعی از طریق انتخاب رئیس جمهور با

رای مخفی و مستقیم اعمال میگردد • ایرانی بودن و اهلیت انتخاباتی برای اعلام آمادگی احراز این مقام و فعالیت در جهت رسیدن به آن کافی است •

— رئیس جمهور در برابر مردم مسئول اعمال خویش است رئیس جمهور شورای اجرائی

است که مرکب از ۷ وزیر و رئیس الوزرا است البته رئیس جمهوری با یک نفر معاون میتواند از

طریق انتخابات مستقیم تعیین شوند که در آن صورت روندی متفاوت خواهد داشت • یعنی

سیستم پرزندانسیل با کارایی زیادتری خواهد شد منتها مسئولین انتخابی در کادر نظام

شورائی که بخش قدرت و نفی مرکز آن است به خطر خواهند بود •

وظایف رئیس جمهور

مسئول اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط پنجگانه و ریاست قوه مجریه است • انتخاب

نخست وزیر در صورت پذیرفته شدن این پیش نویس ، توشیح قوانین و تنفیذ برنامه های

اقتصادی با اوست • رئیس جمهور میتواند در مجازات محکومان تخفیف قائل شود • فرماندهی کل

قوای مسلح با ریاست جمهور است و اعلان جنگ و متارکه آن در موارد فوری و اضطراری • اعزام

سفیر و عزل سفیر ، امضای عهد نامه ها • بعلاوه اصول تعدیل یافته حقوق ریاست جمهوری پیش

نویس قانون اساسی •

وظایف هیئت دولت

— نخست وزیر و اعضای کابینه منفردا و مشترکا در برابر مجلس و رئیس جمهور مسئول هستند

وظایف هیئت دولت: وزارتخانه ها موظفند بیان دخل و خرج و کارنامه سالانه خود را منتشر

سازند و در اختیار ارکان ناظر برای تحلیل بگذارند • تهیه و تدوین لوایح قانونی برای طرح

در مجلس • وظیفه ارتش حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور و حراست مرزهاست استفاده از آن به

مثابه قوای انتظامی در داخل مرزها اکیدا ممنوع است •

در موارد اختلاف بین قوای پنجگانه مرجع رسیدگی عبارتست از شورای عالی جمهوری یعنی ارثانی که از گرد هم آئی روسای شوراهاى پنجگانه به ریاست رئیس جمهور تشکیل میگردد . در صورت عدم موفقیت در حل اختلاف با رأی اکثریت میتوانند حل موضوع مورد اختلاف و یا کسب تکلیف در مورد نهاد های اجتماعی مورد نظر، مسئله را به همه پرسى بگذارند .

در صورتیکه رئیس جمهور مورد تعقیب واقع شود شورای عالی جمهوری با حضور نخست وزیر و با ریاست رئیس مجلس شورای ملی وظایف آنرا به عهده میگیرد و در صورت محکومیت در ظرف یکماه در انتخابات ریاست جمهوری جدید اقدام مینماید .

وظایف و اختیارات ریاست جمهور بر حسب پیش نویس قانون اساسی عبارتند از :

اجرای قانون اساسی (۷۵) تنظیم روابط سه گانه ^{قوای} (۷۵) ریاست قوه مجریه (۷۵) توشیح قوانین (۸۳) انتخاب نخست وزیر (۸۷) انحلال مجلس (۸۹) تخفیف مجازات محکومان (۹۰) اعطای نشانها و عناوین افتخاری (۹۱) فرماندهی نیروی نظامی (۹۳) امضای عهدنامه ها با سایر دولت ها (۹۴) اعلان جنگ و متارکه آن و پیمان صلح در موارد فوری (۹۵) تشخیص مطابقت با قوانین تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت (۱۰۱) امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای ملی ، امضای حکم انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و روسای شعب و مستشاران و دادستان کل کشور مصلحت اندیشی او در امور مالی نمیتواند سبب تجدید نظر گردد .

با توجه به اختیارات ذکر شده در پیش نویس قانون اساسی برای ریاست جمهوری سخن از تفکیک قوا معنایی ندارد چون در اختلاف بین سه قوا تنظیم روابط با مجریه است . توزیع تفکیک قدرت معنایی ندارد ، چون قدرتی باقی نماند . این همه اختیار خود کامگی را تقویت میکند رئیس جمهوری باید معصوم باشد که با این همه اختیارات به يك ديكتاتور مبدل نشود چون هنوز هم باید اختیارات زیر را بدان افزود :

— رئیس کل ستاد به پیشنهاد هیات دولت و تصویب رئیس جمهور گمارده میشود (۹۳)

— در صورت اختلاف بین مجلس شورای ملی و رئیس جمهور این آخری است که میتواند از راه همه

پرسی مجلس را منحل کند (۸۹)

— رئیس جمهور حق دارد مصوبات مجلس شورایی را در خلاف اصول مسلم یا احکام شرعی دانسته به مجلس برگرداند (یعنی باعث تعویق اجرای آن گردد) (۸۴)

— به همه پرسى گذاشتن لایحه یا عهدنامه از جانب رئیس جمهور (۸۶) (تکرار این عمل یعنی تعطیل قوه مقننه)

چنین ریاست جمهور با این چنین قدرت که در صورت توطئه و خیانت رای $\frac{3}{4}$ مجلس برای عزل او لازم است مطابق اصول ۷۸ و ۷۹ میتواند با ۳۵٪ آراء مردم به ریاست جمهوری انتخاب شود . بنابراین يك چنین پیش نویسی نمیتواند جدی باشد جرح و تعدیل آن اجتناب ناپذیر است اصول پیش نویس را که مربوط به قوه مجریه میگردد یا مربوط به تعدیل و تفکیک آن از سایر قوا به تحلیل میگذاریم :

اصل ۶۶ — وقتیکه يك مجلس با ۲۷۰ نفر نماینده ممکن است دچار غفلت شده " یعنی به تصویب برسد و بعدا دیگران بفهمند که خلاف اسلام بوده است نتیجه میتوان گرفت که مفهوم تطابق با اسلام کسش پذیر است و میبایست خود " اصول مسلمة " اسلام تدوین شود چون در غیر این صورت تعبیر این تطابق ممکن است راه انحصار قدرت و اعمال نظر قوه مجریه را بر قوه مقننه باز گذارد .

اصل ۸۶ — همه پرسى گذاشتن لایحه و یا عهدنامه ای از جانب رئیس جمهوری " میان بر " زدن است یعنی يك نوع مراجعه مستقیم به مردم بدون توجه به نمایندگان است به هر صورت يك نوع تضعیف یا در " درجه دوم قرار دادن " مجلس شورایی یعنی مظهر " حاکمیت ملی " است و میتواند در تضاد احتمالی مجلس و ریاست جمهوری وسیله ای باشد در دست ریاست جمهور برای تضعیف مجلس و با توجه به حاصلت و گرایش رهبر گزائی جامعه ما میتواند خطرناک و دیکتاتور پرور باشد !

اصل ۹۷ — " شورای موقت ریاست جمهوری " مرکب از نخست وزیر، رئیس مجلس شورایی رئیس دیوان عالی کشور که در موارد غیبت یا بیماری رئیس جمهوری عهددار مسئولیت هستند " میبایست يك مورد دیگر را هم پیش بینی کند آن در صورتیکه ریاست جمهوری

در تعارض خود با مجلس یعنی انحلال مجلس، رأی نیاورد و از جانب آراء عمومی تأیید نشود. البته در طرح جاما شورای عالی جمهوری مرجع حل و فصل تعارض بین دو قوه است و قاطع تر و آسانتر میتواند عمل کند.

اصل ۷۵- "رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور است. . . . تنظیم روابط قوای سه گانه

و ریاست قوه مجریه را به عهده دارد" این تنظیم زیاد مشخص نیست میتواند خیلی دور بود. ما بایستی مکانیسمهایی بوجود آوریم که از قدرت شخصی جلوگیری کند یا لاقلاً امان دست اندازی قوه مجریه را به قوای چهارگانه دیگر محدود سازیم. این مشکل ۷۵^{اصل} پیش نویس و گرایش روانشناسی اجتماعی با طرح شوراها و پنجگانه و قوای پنجگانه حل خواهد شد چون رئیس جمهور میتواند تنظیم کننده قوای پنجگانه باشد ولی او نیست که در صورت اختلاف آخرین تصمیم را خواهد گرفت.

اصل ۸۴- "رئیس جمهور حق دارد در مهلت توشیح مصوبات مجلس شورای ملی را که برخلاف

قانون اساسی یا اصول مسلم و احکام شرعی میبیند، با ذکر دلایل به مجلس باز

گرداند." اصولاً وقتی بالفت يك قانون از دید ۲۷۰ نفر نماینده مسطور بماند

نشان میدهد که تشخیص آن مشکل بوده است در نتیجه این پس فرستادن قانون میتواند به عنوان تکیه دفع الوقت هم از جانب رئیس جمهوری بکار رود مگر اینکه "اصول مسلم و احکام شرعی" بصورت فرمولی مشخص شده باشد. در صورت اخیر

به چه دلیل اصول مسلم و احکام شرعی را فقط رئیس جمهور میداند؟

اصل ۸۹- هرگاه بین قوه مجریه و مجلس شورای ملی اختلاف نظر بوجود آمد رئیس جمهور میتواند از

راه همه پرسى مجلس را منحل کند. اصولاً اعمال قوه مقننه از طریق همه پرسى توسط

رئیس قوه مجریه علیرغم قوه مقننه از طریق مجلس امکان وسیعی برای مانور در جهت

قدرت فردی به رئیس جمهور میدهد به خصوص اینکه کویا نویسندگان از روانشناسی

ملی با اطلاع بوده اند که رای همیشه علیه مجلس است در نتیجه حتی بطور احتمالی

برای عکس قضیه هم پیش بینی نشده است! یعنی اگر مردم نظر رئیس جمهور را نپذیرفته

و به انحلال رای ندهند، تکلیف چیست؟

اصل ۹۳. رئیس‌جمهور در ضمن اینکه فرایند کلی قوا است رئیس‌ستاد ارتش را هم خودش انتخاب

میتند *

اختیارات ریاست‌جمهوری بر شمرده در بالا زیاد است، در صورتیکه نخواهیم نهاد هائی به ارتش
بر از رژیم سابق را دگرگون سازیم و به یک د مکرسی پارلمانی غرب‌گونه اکتفا کنیم * زیاد است
در صورتیکه نظام شورائی را پیاده کنیم و در اساس قدرت را بخش کنیم * یعنی اگر به روال د مکرسی
پارلمانی غربی حکومت برای مردم، یا حکومت طبقه‌ای بر مردم به اسم مردم باشد، زیاد است و -
استبدادی و منشاء فساد * ولی اگر مطابق نظام شورائی حکومت توسط مردم باشد خطر ندارد *
البته مواد پیش‌نویس با حك و اصلاح میتواند در چهارچوب نظام شورائی قابل استفاده شود *
قدرت در شوراهاى پایه مستقیماً اعمال میشود در شوراهاى هماهنگی بر حسب مقتضیات
ومى هماهنگ میگردد در شوراهاى پنجگانه بر حسب منافع مصالح است اعمال میگردد در حالیکه
حتی خود مختاری کامل مناطق نیز راه حل نیست چون خود مختاری دولت و قدرت را به چند
قسمت تجزیه میکند ولی در ماهیت دولت تغییری بوجود نمی آورد *
- تجربه قانون اساسی مشروطه به ما آموخت که تنها گرفتن نهاد های مرفقی و نشاء آن در فرهنگ
ملی کافی نیست * گرفتن این پیوند نیز شرط است و نباید تجربه بی سرانجام را دوباره تکرار
کنیم * شورا سندیکا نیست سندیکا قدرت را متمرکز میکند شورا قدرت را پخش میکند * سندیکا
انحصار مراکز تصمیم‌گیری را بوجود می آورد شوراها مراکز تصمیم‌گیری را مردمی میسازد *
- دولت ایران بعد از زاین کمین‌ترین دولت دنیا است و دارای سنن بوروکراسی قرونى است این
هیولای بی احساس علیه هرکس، هر گروه به حرکت دربیاید نابود میکند و فرد در برابر او بی
دفاع است در حال حاضر ۳۳٪ درآمد ناخالص ملی را بخود اختصاص میدهد، رئیس‌جمهور
بخواهد بر رأس چنین هیولائی قرار گیرد *

شورای رسانه‌های جمعی و بررسی اصول مربوط به آن

IV

ضرورت نهاد در حال حاضر قسمت اعظم فرهنگ بوسیله رسانه‌های گروهی به مردم انتقال می‌یابد
در نتیجه سازمانهای ارتباط با یستی دارای د کترین عمل باشند، چون این سازمانها
در دست تعداد معدودی از افراد قرار میگیرند که صاحب قدرتی گسترده بر تحول
جامعه هستند و پاسخگوئی به سئوالات زیر را نیز مطرح میکند :

چه کسی در باره ضریب اهمیت فرهنگی فلان یا فلان عنصر ساد * شناخت، د ا وری خواهد

کرد؟ چه کسی تابلو ارزشها فرهنگی را می سازد؟ اینجاست که يك وظیفه تازه برای جامعه ای که مایل است به جای جلو رانده شدن توسط انگیزه های خود رو، آگاهانه سرنوشت خاص خود را تعیین کند، بوجود می آید.

این وظیفه تازه اعضای شورای رسانه های گروهی است.

ضرورت دكترین - تعیین اهداف و تابلو ارزشهای يك شبکه پخش بمناسبت ارتقاء فرهنگی در کشور

عقب افتاده اهمیت ویژه ای بخود میگیرد. مسئله عبارتست از دانستن اینکه چه میخواهیم چون از نظر تکنیکی اشکالی وجود ندارد همه چیز ممکن است مسئله عبارتست از رابطه ای بین برنامه و مردم یعنی مسئله فرهنگی است نه فنی. چگونه باید مجموعه تولیدات رادیو تلویزیون سازماندهی شود و بالاخره مسئله عبارتست از يك دكترین رادیو و تلویزیون.

- ضرورت نهاد سازی وقتی مورد توجه واقع شود استنتاج این نکته نیز آسان است که چنین نهادی نمی تواند بدون خطر بکار بردن آن به نفع گروهها و یا طبقات خاصی در اختیار قوه مجریه قرار بگیرد.

- ضرورت انتخاب يك دكترین مناسب با فرهنگ اسلامی اهمیت این دكترین و کسانی را که باید آنرا تدوین و اجرا گذارند و بر اعمال آن نظارت کنند نیز مشخص میکند.

- برای تغییر رفتارهای مردم و افراد يك جامعه کافی نیست سطح دانش بالا برود ضروری است که نظام ارزشی آنها عوض شود نظام ارزشی صحیح صوفی نمیتواند منشاء دگرگونی ژرف باشد فقط نظام ارزشی راستین اسلام و شیخ سرخ علوی است که با رنسانس خود ارزشهای انقلابی و جامعه ساز را احیاء کرده است.

- در قانون اساسی رژیم مشروطه با وجود محدود بودن وسائل ارتباطی جمعی آن زمان از مطبوعات بنام رکن چهارم مشروطیت نام برد^۱ شده و بدان توجه زیادی شده بود، حالا که این وسائل ارتباطی با آمدن رادیو تلویزیون بعد تازه ای یافته از چنان توجهی محروم مانده بود تا اینکه "جاما" آنرا به عنوان چهارمین قوه پیشنهاد کرد و بدینوسیله آنرا در مرکز توجه افکار عمومی قرارداد و در آن باره تبلیغ کرد.

توجه مردم به رادیو و تلویزیون و اهمیت آن در تحول جامعه سبب شد که بعد از انقلاب اداره این نهاد بحث فنی‌ترین باشد بطوری که سه کانال تلویزیون و شبکه‌های وسیع رادیو که قبل از انقلاب با ظرفیت کامل به دروغ پردازی مسئول بود بعد از انقلاب به یک کانال و آنهم با ظرفیت غیر کامل اکتفا شد چون مسئولان اداره آن مطرح بود و میسر نشد که تمام تمنیات متفاوت و گاهی متضاد در آن هماهنگی یابد.

تجربه به ما آموخت که در صورتیکه این نهاد بخواهد مبین نظرات جامعه باشد نمیتواند در اختیار قوه مجریه باشد و میبایست نهادی مستقل باشد منبسط از مردم و مسئول در برابر مردم.

خدود و وظایف شورای رسانه‌های جمعی :

شورای رسانه‌ها میتواند ۵ تا ۷ نفر از متخصصین جامعه شناسی فرهنگی و روانشناسی اجتماعی نویسنده و فیلسوف از صاحبین اجتماعی باشند که تا ریشه و مایه گرفتن نهاد اعضا شما میتوانند از طرف مجلس شورای ملی انتخاب شوند و بعد از نشان دادن کارآئی نهاد اعضا شورا با رأی مستقیم و مخفی مردم انتخاب شده و در برابر مردم جوابگو باشند.

اگر پیش نویس قانون اساسی را از خلال نظام شورائی مورد بررسی قرار ندهیم آن بخشی از آن که مربوط به حقوق ذاتی و آزادیهای مردم و یا مطبوعات و رسانه‌های گروهی نگردد در این فصل میتوانند جا بگیرد و بعد از نقد بررسی به عنوان پیشنهاد مطرح شود.

حقوق طبیعی و آزادیهای فردی :

« ان الحیوه و عقیده و جهاد » زندگی عقیده است و جهاد در راه پیروزی آن.

البتة این اصل یا حکم اسلام بطور مطلق جاری است یعنی صاحبان عقیده دیگر

نیز معتبر است و تاریخ نشان میدهد که در یکی از نادرترین الگوهای حکومت اسلامی یعنی دوران حکومت علی رفتار دوگانه نسبت به افراد جامعه اسلامی مجاز نبوده است نامه علی به مالک اشتر توصیه میکند که با زیرستان به عدل رفتار کن چون پسر برادر دینی تو هستند یا برادر نوعی.

با این مقدمه دیده میشود که اصل ۳۳ پیش نویس قانون اساسی با روح اسلامی در تعارض است، چون این اصل تعرض به عقیده و حیثیت افراد را به حکم قانون با صراحت روا میدارد و با اصل ۳۲ همین پیش نویس که لطمه به حیثیت انسانی زندانیان و بازداشت شدگان را قدغن میکنند در تناقض است.

«مکتب یا ایدئولوژی»

اسلام در عین حالیکه خود را به عنوان یک ایدئولوژی مطرح میسازد و بهترین آنها چون میگوید: (ان الله عند الله الام) (آیه ۱۷ سوره آل عمران) نمو خواهد آنها به دیگران تحمیل کند به دلیل اینکه میگوید (لا گراه فی الدین قد تبینا لرشد من الفی) (آیه ۲۵ سوره بقره) هیچگونه گمراهی و اجباری نیست در قبول عقیده در دین اسلام زیرا راه راست روشن گردیده و راه گمراه هم نشان داده شده است آنچه زشت تر از گمراهی است عبارتست از «تحمیل عقیده» چون گمراه ممکن است با وجود آزادی راه صواب را برگزیند در صورتیکه اگر «تحمیل عقیده» جایز شمرده شود اصولاً آزادی فکر کردن درخار خواهد بود. در نتیجه مسلمان نمیتواند در برابر صاحب عقیده متفاوت یا مخالف حساسیت نشان میدهد یعنی تحمل عقیده متفاوت

– دمکراسی پارلمانی یعنی حاکمیت اکثریت مردم و نظام شورائی یعنی حاکمیت همه مردم در دمکراسی پارلمانی نیز حق نفی حقوق ذاتی و بشری اقلیت را ندارند. اکثریت یا همه مردم حق ندارد کسی را از حق بیان و حق حیات خود محروم سازد.

نفی سانسور

– فبشر عباد الذین ینستمعون القول فیتبعون احسنه – آیه ۱۹ رمز – مژده ده (بشارتده) آن بندگان را که سخن ها گوش فرا میدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند. این آیه نفی کامل سانسور است و باید مورد توجه شورای رسانه های گروهی در تدوین دکترین

عمل ایمان قرار بگیرد. تمام آوردن زمینه برای ابراز عقاید متفاوت تا امان انتخاب بهترین مسیر گزیده اصل آزادی در انتخاب و قبول مسئولیت که اساس دموکراسی است میتواند از این آیه نجات بگیرد تا برای مردم مقبولیت عام و توده‌ای پیدا کند.

اصل ۷۴- در این اصل ممنوعیت با نسیب و استماع مآلعات تافنی دویار و با دو عبارت-

گفته شده است این تکرار میتواند موجب " تفسیر ممان " گردد به علاوه مطابوم

نیست و دامنه آن به حکم قانون مندرج در ذیل اصالتا کتا بمول می یابد.

اصل ۲۵- هر چند آزادی مابوعات را اعلام رده است ولی بهتر است عدم ضرورت ممنوعیت

همه مقامات در جلوگیری از انتشار مطبوعات تصریح گردد، علاوه باید این

اصول شامل سایر وسایل ارتباط جمعی نظیر سینما و تئاتر و رادیو نیز بشود.

وقتی نویسنده‌ای دچار خطائی شد او است که باید مورد تعقیب قرار بگیرد نه

اینکه یک موسسه بزرگ روزنامه مجبور به تعقیب بشود.

اصاح مگر به حکم قانون که در پایان اغلب اصول مربوط به تقویت اخافه می

گردد انسان را به فکر وامیدارد چون اولاً اغلب الم و ستم و تجاوز به حکم قانون اعمال

میکردند این قوانین و رژیم‌هایی هستند که مدافع منافع ابقاشی هستند. ثانیاً آیا این

قوانین میتوانند اصول اساسی را هم نقض کنند در صورتی که جواب نه باشد پس اصل ۳۳ در

نصوص مسان نیز نمیتواند به حکم قانون محدود گردد.

آیه ۲۷ سوره بقره خودداری از محدود ساختن اصول اسلام در نصوص تعزیری نامذیری

کتابخانه آنلاین «مالتانی و زمانه ما»

مسان آزادی عقیده و اینده حیات عقیده است و جواد برای آن مبم است و نافع محدود

ساختن برد دستورهای اقلیتی اسلام میگردد.

اصل ۱۵- " مابوعات در نشر ممالب و بیان عقاید آزادند مگر لالب مخالف عفت عمومی و یا

توهین به شعائر دینی و اتهام و افترا و تعرض به شرف و حیثیت و آبروی اشخاص ".

مفاهیمی از قبیل " عفت عمومی " و " شعائر دینی " مبم هستند. مخالفت با سینه زدن و

زنجیر زدن مخالفت با شعائر دینی است حد آزادی اشخاص در انتخاب نوع لباس و عفت عمومی

کدام است؟

اصل ۲۶- " تشکیل احزاب جمعیتها و انجمنهای دینی و سیاسی و صنفی آزاد است مشروط به

اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را

نقض نکند و شرکتها آزاد در اینگونه گروهها است و هیچکس نمیتواند از شرکت

در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروهها
مجبور ساخت»^{۱۰}

این تشخیص نقض به عهده کیست؟ کدام مرجع برای آن تعیین شده است؟
کلمه گروه قابل توجیه و تفسیر است!

اصل ۳۰ - «سلب تابعیت اشخاص فقط در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را به
بپذیرد. اتباع خارجه میتوانند در حدود قوانین و به تابعیت ایران در آیند.»
جامعه اسلامی باید پناهگاه کلیه ^{زنان و} مردان صاحب عقیده باشد که با بیعدالتی و اختناق در
ستیز هستند در نتیجه پناهندگی سیاسی اصل اخلاقی جامعه است

اصل ۱۵۱ - «در رسانه های گروهی (رادیو و تلویزیون) که دولتی هستند، آزادی انتشار
باید تامین باشد. این رسانهها تحت نظارت مشترک قوای سه گانه اداره خواهند
شد. ترتیب آنها را قانون معین میکند» مطبوعات که در قانون اساسی مشروطه مورد
توجه خاص قرار گرفته بود از مقام رکن چهارم تنزل کردند. حال آنکه قوانین
اساسی در رابطه با تحول جامعه، و با توجه به اینکه در قانون اساسی رژیم
سابق مطبوعات به عنوان رکن چهارم مطرح بوده حالا نمیتواند زائده قوه اجرائیه
باشد.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

شورای قسط و بررسی اصول مربوط به آن

این شورا مرکب خواهد بود از متخصصین علوم اجتماعی و اقتصادی و الهی به تعداد

۱۱ نفر به نسبت زیر :

سه تن از میان مراجع تقلید کاندیدای جامعه روحانیت و سه نفر از میان علمای
و متخصصین اقتصاد، سه نفر از علمای علم الاجتماع و دو نفر باقیمانده از متخصصین
حقوق بین الملل و حقوق مدنی.

این شورا در بدو تشکیل توسط شورای ملی انتخاب شده و مستقیماً در برابر مردم مسئول
خواهد بود ولی بعد از قوام گرفتن نهاد و ثبوت کارائی آن مستقیماً از جانب مردم

انتخاب شده و در برابر مردم هم مسئول خواهد بود.

وظایف شورای قسط

تدوین الگوی اقتصادی

— هدفهای اقتصادی جمهوری اسلامی اگر فقط تحقق این دو شمار انقلاب باشد استقرار

جامعه بی‌ابقه توحیدی و " نفی استبداد ، استثمار ، استعمار " تحقق بخشیدن به این

اهداف (با توجه به صلاح و صرفه فرد و جمع) انتخاب راه و وسیله اصلاح بین طرق و وسایل

موجود را مطرح میسازد که یکی از وظایف شورای قسط را تشکیل خواهد داد. ارائه طریق

به منظور ایجاد نهادهای اقتصادی نوین و یا کشف نقاط ضعف و نقائص نهادهای موجود و

راهنمایی برای برطرف نمودن مشکلات آنها و از میان برداشتن رابطه استثماراری انسانها که

ممکن است در موسسه‌های نهاد سازی شده باشد میتواند وظیفه دیگری برای شورای قسط باشد.

امور مالیاتی و مالی : نظر به اینکه تا کنون دوگانگی بین امور دولتی و معنوی تبلیغ

میشده است و گرایش انحرافی بر آن بوده است که مذهب را به اصول عبادی منحصر سازد و —

سیاست را از مذهب جدا بشمارد و نظر به اینکه این برداشت هیچگاه از طرف علمای شیعه

پذیرفته نشده است در نتیجه دولت را غاصب و کارگزاران دولت را عمال ظلمه شمرده اند

جدائی ملت از دولت عینی بوده است و سیستم مالیات مضاعف اعمال میشده. یعنی مالیات

دولتی مضاف بر خمس و زکوة و سهم امام که مالیات اسلامی ^{است اخذ} میشده است. بعد از پیروزی —

انقلاب در جمهوری اسلامی با از میان رفتن تعارض ملت و دولت سیستم مالیاتی نیز بایستی

واحد شود. در غیر این صورت خود عاملی برای تجدید افتراق خواهد بود. از اینجاست

اهمیت ایجاد سیستم مالیاتی واحد از جانب شو رای قسط. تهیه لوایح قانونی در زمینه

امور مالی و ارائه آن به شورای ملی (قوه مقننه) به منظور برقراری مساوات و هماهنگی

البته تصمیم گیری در اینخصوص نه در جزئیات بلکه در سطح ملی مطرح است از جمله

اداره بانکهها ، حدود مالکیت مشروع، تعیین و تنظیم منابع مالی و مالیاتی مردم.

نظارت شورای قسط بر امور مالی و مالیاتی سبب خواهد شد که رابطه بین مصرف و تولید

جامعه برقرار گردد و جامعه بیش از تولید خود بضرر نسلهای آینده مصرف نکند و از

سرمایه عمومی ملی برداشت افراطی نداشته باشد.

تنظیم عادلانه بودجه در رابطه با تولید عینی: نظر به اینکه در نظام شورائی کار برنامه ریزی از شوراهای پایه شروع و در شوراهای هماهنگی و در سطح استانها از طریق وزارت کشور و برنامه با رهنمودهای اقتصاد ملی درهم می آمیزد، فعالیتهاى که مربوط به امور مالی و بودجه و بطور کلی وزارت دارائی میگردد زیر نظر شورای قسط است و شورای قسط منافع مالی جامعه را به عوامل تولیدی و توزیعی و خدماتی بر حسب ارجحیت های خود و معیارهای اقتصادی و فنی و عدالت اجتماعی و آیندنگری تخصیص خواهد داد. مسلماً درآمدهای حاصل از منابع زیرزمینی یعنی معادن را که متعلق به نسل های متوالی است متوجه برنامه های تولیدی دراز مدت خواهد ساخت و نسل حاضر نباید دچار خود بینی شده و بیش از آنچه تولید میکند به زیان نسلهای آینده مصرف کند در نتیجه تنظیم بودجه کاری خواهد شد که عدالتخواهی و انصاف را نه تنها در سطح مردم جامعه موجود بلکه نسلهای دیگر می طلبد و اعمال میکند. نتیجه اینکه درآمدهای حاصل از انفعال از طریق وزارت کشور برنامه ریزی به فعالیتهاى تولیدی دراز مدت اختصاص خواهد یافت و شورای قسط باید تعاونی بین قدرت تولید واقعی جامعه و مصرف جامعه بوجود آورد.

پیاده کردن قسط

- آزادی بدون امکانات مادی آزادی صوری است امکانات مادی بدون آزادی تصمیم گیری - عدالت صوری است ما این دو را یکی در غرب و یکی در شرق مشاهده میکنیم. شورای قسط نهادی خواهد بود که آزادی حقیقی و عدالت اجتماعی را پیاده کند و یکی را فدای دیگری نسازد و انگهی لیاقت و کرامت انسانی، در جامعه ای که نیازهای ابتدائی برآورده نشده است در خطر است تعیین حداقل زندگی برای خانواده ها و افراد یکی از وظایف - این شورا میباشد که تا قبل از ارضاء نشدن آن از هرگونه توزیع درآمدها در جهت تشدید اختلاف طبقاتی خودداری شود. تکنیکهای ممکن بدین منظور عبارتند از:

تعیین حداقل دستمزدها، حداکثر اختلاف قابل پذیرش در اشل حقوق و درآمدها، تعیین الهم و فی الهم در هزینه های بودجه ای، تعیین مرز اسراف

تعیین طبیعت و حد مالکیت:

چون برخلاف مفهوم مالکیت مندرج در ماده ۱۶ حقوق بشر متأثر از فرهنگ غرب در فرهنگ

اسلامی مالکیت مطلق وجود ندارد، شورای قسط است که با توجه به مرحله رشد اقتصادی جامعه و توانائی های تولیدی به تعریف مالکیت محدود (۱) و مشروع میگرداند چون این مفاهیم کشف پذیر هستند. در اسلام مالکیت نسبی است در فرهنگ اروپائی مطلق. آیه ۲۸۴ میفرماید (لله ما فی السموات و ما فی الارض) بخدا تعلق دارد آنچه در آسمانها و بر روی زمین است. ترجمان توده ای این مفهوم در این جمله است که میگوید (در حقیقت مالک اصلی خداست این امانت بهر روزی دست ماست) اصل ۴۱ پیش نویس قانون اساسی جمله "هیچ ملکی را نمیتوان به عنوان نیا زعمومی از صاحبش گرفتگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه" تثبیت حق مالکیت مطلق و در نتیجه متعارض با آیه بالا است آیه ۲۸۴، اصولا مالکیت مطلق شخصی را نفی میکند و خدارا مالک مطلق میداند در نتیجه مالکیت بطور محدود و مشروط است نه مطلق. همچون مفهوم غربی مالکیت در اسلام حق استفاده از مال به رسمیت شناخته شده است نه حق سوء استفاده و نه حتی حق عدم استفاده طولانی از زمین زراعتی علی رغم تصاحب که باعث اسقاط مالکیت میگردد در حالیکه در غرب مالکیت مطلق است عدم استفاده و سوء استفاده سبب سلب مالکیت نمیکرد.

آیه ۱۲۵، و در اعراف در خصوص مالکیت زمین میگوید: ان الارض یرثها من یشاء من عباده و العاقبه

نفی استثمار یکی از وظایف "شورای قسط" که بر حسب تفکیک قوای نظام شورائی نهاد سازی خواهد شد میباشد در نتیجه تمام اصول پیش نویس قانون اساسی مربوط به مناسبات بهره کشی در این قسمت نقد و تحلیل شده و اصلاح آن پیشنهاد میگردد.

پاورقی

(۱) حدود توانائی فرد در بهره وری از منابع طبیعی بر حسب ابزار کار در تریبیر است یعنی کار جفت گاو و کار تراکتور حدود توانائی و احیای زمین موات را برای فرد دگرگون میسازد. مرحله اقتصادی و سطح زندگی در جامعه نیز حداقل زمین را برای اقتصادی بودن واحد تولید و تامین زندگی متعادل خانواده زراعتکار متغییر میسازد. در حال حاضر برای جامعه فرانسه این حد ۱۲ هکتار است برای ایران شاید کمتر باشد. به هر صورت رابطه ای با مقدار زمین لازم برای اداره زندگی مزارعه کار سنتی ندارد.

اصل ۹- " ۰۰۰ میچکس نمیتواند به عنوان مالکیت سعی و کار خود، امکانات سعی و کار را از دیگری سلب کند " ۰۰۰" استثمار حاصل مالکیت بر ابزار تولید و تبدیل نیروی کار به کالا است در نتیجه مالک ابزار تولید نیروی کار دیگری را به کالا تبدیل ساخته و در برابر بهائی نازل نه تنها مانع سعی و کار او نمی شود بلکه باعث تشدید کار او میگردد. تنها با الفای مالکیت خصوصی ابزار تولید است که استثمار فرد از فرد نفی میگردد. ولی از میان برداشتن مالکیت خصوصی وسایل تولید پائین مناسبات استثمار اری نیست! کنترل ابزار تولید از طرف جامعه همراه با عدالت و برابری حقیقی نیست یعنی الفای استثمار فرد از فرد همراه با استقرار عدالت اجتماعی نیست. نمونه آن مالک سوسیالیستی است

کنترل وسایل تولید از طرف جامعه باید همراه با همگانی شدن وسایل و مراکز تصمیم باشد و این دورا با هم فقط نظام شورائی ممکن میسازد. زیرا همگانی ساختن مالکیت ابزار تولید را همراه با بخش مراکز تصمیم گیری در میان مردم تجویز میکند و حکومت توسط مردم را شعار خود میداند و نه حکومت برای مردم، با بر مردم و یا حکومت طبقه ای از مردم بر طبقات دیگر.

نهاد سازی از فتوا

بعد از انقطاع دوره امامت، دکترین شیعه پذیرفته است که مجتهدین رده نقش خود را در تفسیر قوانین دکترین ایفا کنند. " این تز تفسیر دائمی اراده امام " یعنی فتوا نرمشی را در آنچه مربوط به مسائل قانونگذاری و بویژه مسائل سیاسی میگردد، ممکن ساخته است، نرمشی که بر حسب دکترین اهل تسنن غیر ممکن است و حال آنکه در مکتب شیعه مجتهدین نقش بسیار مهمی در بنای نهادهای سیاسی نو ایفا کرده اند و یا توانسته اند زمینه پذیرائی یک اندیشه نو را در توده های معتقد فراهم آورند عملی که در هنگامه های ملی و میهنی سبب وحدت کلمه شد و توده های مردم را علیه استعمار بمیدان کشیده است فتوای شیرازی یا فتاوی امام در نبرد با استبداد پهلوی و امپریالیسم غرب این حربه قاطع که در دست رهبران ملی و مذهبی میتواند سبب رهایی از اسارت گردد،

باعث نوآوری شود به سبب اینکه در جامعه شیعه مذهب مکانیسم تقلید حاکم است بکار بستن آن در مسائل سیاست داخلی و بمناسبت انتخابات داخلی سبب اخلاص و بیعدالتی خواهد شد! چون روند تقلید بر رفتار شیعه حاکم است و مراجع تقلید متعدد بمجرد اینکه سخن از فریضه مذهبی در انتخاب آزاد و آگاه نماینده و یا تز سیاسی منتفی می گردد و این در حقیقت نفی جوهره شیوه حکومت دمکراتیک است. در ثانی ممکن است فتاوی متضاد و متناقض از مراجع متفاوت صادر شود که سبب گمراهی معتقدین غیر سیاسی شود کلیه این پدیده‌ها ضرورت یک شورا که همان شورای قسط است برای هماهنگی و درجهت صلاحیت بکار بردن فتوا را می‌رساند. یکی از وظایف شورای قسط هدایت فتاوی - در جهت نوسازی و نوآوری جامعه خواهد بود.

جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران "جاما" در مورد پیش نویس قانون اساسی اظهار نظر میکند

پیش نویس قانون اساسی از جهت مبانی بر سه پایه استوار است که بترتیب اهمیت عبارتست از قوانین غربی و جزاً از خلال قوانین اساسی سابق قوانین اسلامی و بالاخره نوآوری با توجه با اهداف و شعارهای انقلاب و بمنظور رعایت خواستهای مردم و فرهنگ اسلامی شایسته است که این ترتیب معکوس شود یعنی پیش از همه نوآوری شود و بموازین فرهنگ اسلامی توجه شود و عناصری از فرهنگ غرب با توجه به پیوند پذیری آن اخذ شود تا به سرنوشت قانون اساسی مشروطه دچار نگردد.

اصول کلی

اصل ۱- این اصل اشاره دارد به نوع و قالب حکومت که بعد از پیروزی انقلاب مردم ما از راه همه بررسی تعیین کرده اند و عبارتست از جمهوری اسلامی، محتوی این قالب را مواد این قانون اساسی تعیین خواهد کرد در صورتیکه تغییر نهادهای رژیم سابق را بطور - بنیادی میسر نسازد تخم انقلاب دیگری را در این قانون اساسی کاشته است

اصل ۲- " نظام جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی بر پایه فرهنگ اصیل و پویا و انقلابی اسلام " ، نظامی است توحیدی یعنی چه نظام توحیدی؟ سه صفت برای فرهنگ اسلامی قائل شده که عبارتند از اصیل، پویا، انقلابی در نتیجه فرهنگ التقاطی و متحجر و عقیم و ارتجاعی مورد نفی. اصل دوم پیش نویس قانون اساسی است با تکیه بر ارزش و کرامت انسان، مسئولیت او در باره خویش و نقش بنیادی تقوا در رشد او، تکیه را روی بهمان دادن به انسان نسبت به خودش. البته این توجه دادن به خویش بفراموشی سپردن دیگری نیست آن ایثار که جوهره اسلام است اینست که از خود بدیگران رسیدن ممکن و آسانتر و - کمتر مزورانه است

" نفی هرگونه تبعیض و سلطه جوئی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و ضرورت استفاده از دستاوردهای سودمند علوم و فرهنگ بشری در جهت التزام کامل به همه تعالیم الهی اسلام "

در حالیکه انسان را ارتقا میدهد هرگونه تبعیض و سلطه جوئی را که سبب ایجاد طبقات و سلسله مراتب میگردد چه در زمینه فرهنگی چه سیاسی و چه اقتصادی نفی میکنند.

ضرورت استفاده از دستاوردهای سودمند علوم و فرهنگ بشری را بما توجه میدهد منتهی در جهت التزام کامل به همه تعالیم الهی اسلام یعنی در صورتیکه در تعارض با تعالیم الهی اسلام قرار گرفت ضرورت استفاده‌ای خود را از دستمیدهند! اینجا متن اصلی ابهام دارد یعنی جمله "در جهت التزام کامل به همه تعالیم الهی اسلام" باید روشن شود. مضاف بر اینکه بنابر مستدل بعضی، "فرهنگ اسلامی با دایعه سلبه جو بوده چه دنیا بخوهد و چه نخواهد بنیان‌های توحیدی و ضوابط حکمی و فلسفی و کلامی و معارف عقل سوزو اندیشه پرداز و جهانی اسلام بویژه فرهنگ شیعه مرز و قلمرو نمی‌نماید و از وراء مرزها می‌گذارد" اصل ۴- "جمهوری اسلامی ایران در استقرار جامعه توحیدی معنویت و اخلاق اسلامی را مبنای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار میدهد."

در اصل دوم نظام جمهوری اسلامی نظامی توحیدی بر پایه فرهنگ اصیل و بویا و انقلابی اسلام تعریف شده بود در اصل چهارم استقرار جامعه توحیدی را هدف جمهوری اسلامی تعیین نموده و در چنین جامعه‌ای معتقد است که معنویت و اخلاق اسلامی باید مبنای روابط سیاسی اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد.

البته ضرورت دستیابی به تعریف "جامعه توحیدی" به همان درجه‌ای که به تعریف - "نظام توحیدی" احساس میشده میباشد و تا اینمفاهیم جدید روشن نگردد هر کسی محتوی خاصی از آنراستنباط خواهد کرد و با بهره امکان تعبیر و تفسیرهای متضاد و متناقضی را برای نهادهائیکه صلاحیت تفسیر و تغییر قانون اساسی را خواهند یافت باقی می‌گذاریم یعنی اینکه قانونگذاران امروز از انجام صحیح و ایفای خود بنیامده‌اند و استخوان لای زخم گذاشته‌اند. و نیز مطابق همین اصل ۴ جمهوری اسلامی در استقرار "جامعه توحیدی" که هدف خود قرار داده و زیاد هم آنرا روشن ساخته است معنویت و اخلاق اسلامی را مبنای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار میدهد! به چه معنی و چگونه؟ روشن شود!

جمهوری اسلامی در جهت استقرار "جامعه توحیدی" معنویت و اخلاق را مبنای روابط سیاسی قرار میدهد برداشتم از این جمله ایناست که همان گونه که جنبش انقلابی مردم

مسلمان ایران معتقد به این بعد معنوی و اخلاقی برای روابط سیاسی است یعنی اولاً سیاست را تنها علم تناسب نیروها ندانسته معتقد است که اگر ما فقط به تناسب نیروها اکتفا می‌کردیم هیچگاه انهدام رژیم سابق قابل پیش بینی نبود بعلاوه نیز گروه‌بائی که تنها به رابطه نیروها توجه دارند ما را به صف بندی‌های نظامی - سیاسی که در آن استعمار می‌کردیم دعوت می‌کنند ما معتقد هستیم ایمان به حقانیت راه و توجه به معنویت پویائی خاصی بوجود می‌آورد که تناسب نامساعد نیروها را به سرعت تغییر می‌دهد هم چنین صداقت و اخلاق در روابط سیاسی اعتماد مؤتلفین بوجود می‌آورد و کلیه نیروی خود را متوجه دشمن نموده کارآئی در مبارزه را بالا برده و وحدت کاملتر و همبستگی ملی یعنی قدرت غیر قابل تسخیر را سبب می‌شود!

البته در جهت استقرار "جامعه توحیدی" معنویت و اخلاق اسلامی بمثابه مبنای روابط اقتصادی لازم است منتهی کافی نیست اگر اینجا لا اقل ((اصول اسلامی)) عنوان می‌شود قابل توجه بود. مبنای روابط اقتصادی باید بر نفی استثمار انسان از انسان باشد بایستی روابط طوری تنظیم گردد که اگر کسی نخواست معنویت و اخلاق اسلامی را رعایت کند راه بهره‌کشی از دیگران را باز نیابد.

اصول - بر مبنای آیه کریمه " یا ایها الناس انما خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتقیکم " در جمهوری اسلامی ایران هم اقوام از قبیل فارس، ترک، کرده، عرب، بلوچ، ترکمن و نژادها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند و هیچ کس را بر دیگری امتیازی نیست مگر بر اساس تقوا"

ترجمه صحیح آیه شریفه چنین است "گرامی ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شما است"

با این جمله "هیچکس را بر دیگری امتیازی نیست مگر بر اساس تقوا" کاملاً متفاوت است این آخری از تقوا دارد یک ملاک و ضابطه برای ایجاد سلسله مراتب استفاده می‌کند و آنهم در میان مردم نه نزد خدا و این صواب نیست بعلاوه معنای تقوا پیچیده تر از آنست که در اینجا بکار رفته است. چون مورد تردید است که مفهوم قبیله بر مردم ایران که دارای قشرهای متفاوت هستند اتلاق گردد بر مردن آنها بنام اقوام ضرورتی ندارد.

اصل ۶- در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. هیچ فرد یا گروه و هیچ مقام و مرجعی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، بر استقلال و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند یا به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی عقیده، بیان، قلم و آزادیهای مشروع دیگر را از کسی سلب کند یا قوانین و مقرراتی بدین منظور وضع کند مگر در حالت جنگ.

در این فصل اصول و اهداف انقلاب اسلامی میبایست بصورت قانون تدوین گردد و به قانون اساسی ایران بداعت خاصی ببخشد و آنرا به الگوی حقوق اساسی ملل مستضعف در بیاورد، چنین چیزی بچشم نمیخورد یک شعار انقلاب استقلال آزادی جمهوری اسلامی در اصل اول و این اصل بصورت قانون ترجمه شده و آنهم بدین طریق که در حالت جنگ آزادی عقیده را سلب شدنی دانسته و به آزادی نیز صفت مشروع را داده و بدون اینکه حد آزادیهای مشروع و نامشروع را مشخص سازد.

اصل ۷- جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود میداند و رسیدن به استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان میشناسد..... برداشت جمهوری اسلامی از انسان برداشتی است تساوی جو که شعار انقلاب یعنی - "استقلال آزادی حکومت اسلامی" را نیز در سطح جهانی تبلیغ میکند منتهی بجای حکومت اسلامی حکومت "حق و عدل" آمده است که تعریف تازه ای از حکومت اسلامی را نیز بدست داده است

..... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالتسلطه جویانه در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین علیه مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت میکند.

- البته این اصل باید خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر چه سلطه جویانه و چه غیر آن مطرح باشد تا امکان تعبیر و تفسیر های مختلف برای دخالت در امور داخلی ملت های دیگر از میان برداشته شود.

- "از مبارزه حق طلبانه مستضعفین علیه مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت میکند"

البته این اصل یکی از اصول مکتبی انقلاب ایران را مطرح میسازد و توجه باین اصول است که ویژگی انقلاب ایران را بدست میدهد و به آرمانها و توقعات ملل مستضعف از انقلاب — ایران جواب مثبت بدهد.

— بعلاوه با تکیه بر مفهوم مستضعف و مستبر انقلاب ایران حساب ملتها و دولتها را از هم جدا میسازد و خودخواهیهای شبه ملی دولتهای بظاهر مستقل که اغلب معجونی از منافع استعماری و طبقاتی را مورد نظر دارند از حساب حق طلبی و عدالتخواهی ملتها جدا نگه دارد و دولت اسلامی خود را متحد تودهها علیه استعمار و استبداد و استثمار می داند.

اصل ۸ — «جمهوری اسلامی ایران با رعایت کامل موازین اقتصادی اسلام، صنعت و کشاورزی بومی را ترویج میکند.» در اینجا باید «موازین اقتصادی اسلام» روشن گردد. جاما معتقد است موازین اقتصادی اسلام در رژیمهای طاغوتی قبل از انقلاب تحریف شده بود و ترویج صنعت و کشاورزی بومی بر حسب آن موازین اصولاً ممکن نبوده است و حال آنکه در صورت توجه کامل به موازین اقتصادی اسلام راستین صنعت و کشاورزی بومی ما نمیتواند ترویج نگردد یک جامعه غیر مولد یک جامعه وابسته خواهد شد. جامعه ای که توجه به دانشها و تکنولوژی ملی و بومی خود نداشته باشد خلاقیت خود را از دست خواهد داد این چنین جامعه ای — اسلامی نخواهد بود.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

«..... و در عین حال از همه علوم و فنون پیشرفته جهان در امر صنعت و کشاورزی نیز استفاده مینماید، البته با رعایت کامل استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و جلوگیری از هر گونه وابستگی جامعه به دیگران و بدون التزام به پذیرش نظام اجتماعی حاکم بر آن.»

اینجا امر اخذ علوم و فنون پیشرفته کشاورزی مطرح است بدون التزام به پذیرش نظام اجتماعی که این علوم و فنون در بطن آن متولد شده است البته با ید توجه داشت که احیای تکنولوژی ملی یا توجه به انقطاع مربوط به دوره سلطه اقتصادی غرب کار آسانی نیست چون بخشی از آن از میان رفته است و از طرف دیگر اخذ تکنولوژی غیر نیز بعضی از عناصر فرهنگی نظام حاکم بر آن را بطور الزامی بهمراه خواهد داشت.

اصل ۹ - سعی و کار حاصل آن حق هر کسی میباشد هیچکس نمیتواند بجز سعی و کار خود به عنوان مالکیت امکان سعی و کار را از دیگری سلب کند. امکان کار و کوشش برای همه باید چنان فراهم گردد که هیچکس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد.

بسیار مبهم تنظیم شده است احتیاج به تحلیل دارد. در اینجا باید توضیح داده شود که اسلام راستین معتقد به "مالکیت خصوصی بر وسایل تولید نیست"

"لله مافی السموات وما فی الارض" یعنی مالکیت مطلق با خداست و اصطلاح عامیانه مبین این اصل است وقتی می‌گوید: در حقیقت مالک اصلی خداست این امانت بهر روزی پیش ما است مالکیت نسبی فرد چیزی جز مالکیت محدود افراد بر ثمره کار خود نیست چرا که از طرف مختلف مازاد ثروت که بیشتر از احتیاج است باید به جامعه برگردد. باید توجه داشت که امکان سعی و کار از دیگران سلب نمیشود بلکه سرمایه‌داری از راه مالکیت خود بر وسایل - اصلی تولید کارگران را بکار مزدوری کشانده و به تشدید کار برای استثمار بیشتر دست می‌زند. مالکیت بر وسایل تولید حرکت سرمایه و بازار کالایی موجب استثمار است که اصل ۹ هیچکدام از آنها را نفی نمیکند.

اصل ۱۰ - جمهوری اسلامی ایران باید امکانات آموزش و پرورش را برای همه مردم کشور بطور یکسان فراهم کند تا هر کسی بتواند فراخور استعدادش از آموزش و پرورش و رشد و شکوفائی برخوردار گردد و محدودیت مکانات سد راه پیشرفت او نشود.

در يك جامعه طبقاتی و یا حضور نابرابری‌های اقتصادی مساوات در برابر قانون ظلم بارز و آشکار است در چهارچوب موجود جامعه ایران یعنی در حاکمیت بورژوازی کنونی فراهم آوردن امکانات یکسان بمنظور بهره‌مندی از آموزش و پرورش هیچ معنا ندارد باز شهری را در برابر روستایی ممتاز ساخته و مساعدت خواهد کرد و باز در شهر طبقات مرفه را نسبتبه طبقات مستضعف مساعدت خواهد کرد.

میتوان از خود پرسید که اگر حتی محدودیت مکانات بمثابه سد راه پیشرفت را از میان برداریم و نوزاد زندگی اجتماعی را با سرمایه کرموزمیک نابرابر خود آغاز کند آیا جامعه اسلامی در جهت تعدیل و یکسان سازی اعضا خود اقدام خواهد کرد و یا در جهت

فراهم آوردن امکانات رشد نابرابر استعدادهای نابرابر؟

با توجه به اختلاف طبقاتی عظیم که در جامعه امروز ایران موجود است شرایط مساوی در برابر قانون یعنی تشدید بیعدالتی اجتماعی برعکس میبایست قوانین در جهت تعدیل این اختلاف طبقاتی (که در شهر تهران با زتاب جنرافیایی آن، محلات شهر آنچنان متفاوت شده) تدوین گردد و الا همچون تغذیه رایگان آریامهری مدارس که در شمال شهر آشفال - دانی ها را پر میکرد در حالیکه در جنوب شهر ضروری ولی غیرکافی بود.



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

اصل ۱۱- " خانواده واحد بنیادی جامعه انقلابی ایران محسوب می‌گردد. قوانین باید اسباب استواری ازدواج را بر پایه توافق در عقیده و علاقه فراهم آورد و در تنظیم آنها حقوق خانواده بر حقوق فردی زوجین مقدم شمرده شود و روابط زن و مرد باید بر مبنای طهارت و تقوی و ارزشهای والای انسانی قرار گیرد نه بر تفاخر ظاهری و مادی و هوسرانی."

- توافق در عقیده استمرار ندارد. در صورت وجود علاقه به قانون احتیاج نیست، قانون برای روزی ضروری است که توافق در عقیده و استمرار در علاقه وجود ندارد.

- " تفاخر ظاهری و مادی و هوسرانی مسئله زن ایرانی که توده‌های دمقمان و کارگر مستضعف را تشکیل می‌دهند نیست. شاید مسئله اقلیت‌های محدود اشرافیت و بورژوازی تازه بدوران رسیده باشد. توده‌ها بر مبنای طهارت و ارزشهای والای انسانی زندگی مشقت بار روزانه را تحمل نموده و دندان بر جگر می‌گذارند. باید حقوق اساسی این نوع زن‌ها و مردها را در اینجا تدوین کرد حق به کار به حمایت و عدالت اجتماعی به بهداشت به یک زندگی شایسته به منظور حفظ کرامت انسانی را برای آنها برسمیت شناخت!

اصل ۱۲- " از آنجا که تربیت فرزندان با پدر و مادر و در دوران کودکی بیشتر با مادر است تعلیم و تربیت دختران وظیفه مقدم بنیادهای فرهنگی تلقی میشود و قوانین راجع به خانواده باید برای مادر امکانات مادی و معنوی در نظر بگیرد تا بتواند به فراغت بال بوظیفه پر ارج مادری و مسئولیت‌های بپردازد که در جامعه انقلابی اسلامی بر عهده دارد. "

- آیا مسئولیت‌های مادری در جامعه انقلابی اسلامی مسئولیت‌های ویژه‌است که او را از مسئولیت‌های اجتماعی محروم می‌سازد؟ از این اصل نمیتوان تعبیری بیرون کشید که بانوان فقط باید به تربیت فرزندان بپردازند نه کارهای اجتماعی! الان ما گرایش‌های رامیبینیم که بنام اسلام از مساوات مرد و زن در احراز مشاغل خشنود نیستند و مسئله بوجود می‌آوردند مثلاً برابری در گویندگی رسانه‌های گروهی بطوری که جدا و سیطی جمهوری اسلامی قیافه -

مردانهای بخود گرفته است! مثلا در شغل قضاوت و ...

ایجاد امکانات مادی و معنوی در منزل خود باعث این خواهد شد که بانوان در

کارهای اجتماعی و امور غیر از تربیت خانواده شرکت و دخالت نداشته باشد این امر از نظر اقتصادی در بکار گرفتن کلیه امکانات اشغالی جامعه مسئله بوجود خواهد آورد و جامعه را با کمبود نیروی کار روبرو خواهد ساخت و نیمی از جمعیت فعال جامعه را عاطل خواهند گذاشت. در نتیجه قدرت تولیدی محدود و سطح زندگی پایین خواهد آورد در حال حاضر درآمدهای نفتی بیش از ۵۱٪ درآمد ناخالص ملی را تشکیل میدهد یعنی مردم ما دارند از مایه میخورند پایان ذخایر نفتی که زیاد طول نخواهد کشید سطح زندگی مردم ما را بنجام درصد تقلیل خواهد داد تمام امید برای حذف آن با ابردن قدرت تولید جامعه و حداکثر بهره‌وری از نیروی انسانی است و همچنین افزایش نسبت نیروی فعال و مولد کشور نسبت به جمعیت غیر فعال و مصرف‌کننده و بالاخره تقلیل جمعیت غیر فعال و مصرف‌کننده از طریق کنترل زاد و ولد است که همه این راه حل‌ها را اصل ۱۲ پیش نویس قانون اساسی نفی کرده و جامعه را بسوی الگوی بنگلادش سوق خواهد داد.

اصل ۱۳ - «دین رسمی ایران اسلام است و مذهب جعفری که مذهب اکثریت ...»

بدینسان به اسلام راستین توجه میشود و به اجتهادهای گوناگون در خصوص آن احترام میگذارد بدون اینکه غافل شویم که چهار چوب مشخصی برای قانونگذاری لازم است و سایر ممالک نیز چنین کرده‌اند مذهب رسمی خود را حنفی یا حنبلی ... خوانده‌اند. این امر بدون سهمیه بندی نقش گروههای مذهبی و سیاسی مختلف در پیروزی انقلاب چون بفرس — صحت آن در تدوین قانون اساسی نمیتواند موثر باشد — چون ممکن است گروهپائی منافسان اجازه نمیداده که در تفسیر رژیم نقشی بازی کنند مانع از آن نیست که آینده خود و نسلهایشان به قانون اساسی بستگی خواهد داشت و باید از سهمی مساوی در ساختن آینده برخوردار باشد. در ضمن در این اصل پیش بینی شده است که پیروان مذاهب دیگر اسلام در احوال شخصی در مناطق میتوانند از طریق شوراهای محلی اعمال حاکمیت کنند یعنی مردم حنفی مذهب یک منطقه ایران از فقه این طریقه برای تدوین مناسبات خواهد استفاده کنند.

اصل ۱۵- در دموکراسی مردم منشاء قدرتند در تئوکراسی خدا منشاء قدرت است در دموکراسی جاومت از آن مردم است در تئوکراسی حاکم و متمتعین خدا است که به امانت به مردم واگذار میکنند مردم آنرا به حاکم منتقل میسازند و حاکم باید همچون امینی دلسوز از آن پاسداری کند و در جهت خواستها و منافع مردم آنرا اعمال کند. در صورتیکه در دموکراسی مردم تمام اختیار هستند و بخشی از حق خود را به حاکم منتقل میسازند که حکام بایستی با توجه کامل به املو نسب این قدرت آنرا اعمال کنند و دائما از خود راجع به منشاء قدرت و مشروعیت آن سؤال کنند چون دیداتو راست که قدرت را اعمال میدند بدون توجه به منشاء قدرت

اصل ۱۶- تقسیم سه گانه قوا از روح القوانین منتسکیو الهام گرفته شده و قبل از او نیز در نوشته‌های فلاسفه یونان قدیم آمده و در حقیقت همان ساخت وظایف سه گانه جوامع هند و اروپائی است و در نتیجه در ایران کهن نیز میتوان آنرا دید کسانیکه وایفه فرهنگی و ایدئولوژی جامعه را بعهده داشتند موبدان، کسانیکه وایفه قانونگذاری و حکمرانی داشتند ارتشیان، و کسانیکه وایفه تولیدی کشاورزان که هر کدام نیز با یک آتش در ایران سمبلیزه میشوند. در فارس، در آذربایجان، و در خراسان. البته بعدها وایفه و کشت بیسه‌وری و صنعتی از همان وایفه کشاورزی جدا شده و در برابر دو نیروی- اول قرار گرفتند. در اغلب جماعات هند و اروپائی دو وایفه اول متحد قدرت را در دست گرفته و طبقات حاکمه را تشکیل میدادند و به استثمار طبقات تولید کننده می پرداختند. در فرانسه بحبای شمشیر و لحبای جامه (یعنی روحانیت) در انقلاب فرانسه در کنار هم با بورژوازی و طبقات تولیدی جنگیدند اصولا به همین دلیل است که فلاسفه و نویسندگان اروپائی این قرون مذهب را مدافع نظام حاکم میدانستند. البته این برداشت بر جامعه همه مذهب ایران نمیتوانست شمول یا بدو باعث گمراهی روشنفکرانی شد که تحت تاثیر متاب اجتماعی غرب بودند حال آنکه مذهب راستین در ایران در جهت و در صف مردم بوده‌اند و اغلب روحانیت دارای اصل و نسب دهقانی بوده‌اند نه اشرافی این مقدمه برای اینکه نشان داده شود لزوما در اجتماع ایران تقسیم بندی سه گانه

قوا ثمر بخش نیست • بایستی توجه به بعد معنوی و انقلاب اسلامی بشود و نهادی برای پیاده کردن اصل تقوی برای توحیدی ساختن سیستم مالیاتی و برای تعیین حد و مرز مالکیت برای آشتی قدرت و مذهب بعنوان شورای قسط که بتواند آرمان عدالتخواهی اسلام را پیاده کند ضروری است • رکن چهارم مشروطه هم که مطبوعات بود عقب نشینی در این زمینه با اشاعه قوی رادیو - تلویزیون خلا است در نتیجه نهاسازی —

” شورای رسانه‌ها ” نیز الزامی است در نتیجه قوای پنجگانه عقلانی تر است برای -

جوابگوئی به نیازهای جامعه ما تا قوای سه گانه !



کتابخانه آنلاین « طالقانی و زمانه ما »